



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۶/۰۷

سیدهاشم سدید

شرم هم خوب چیزی است!

بروید!! قبل ازینکه خشم مردم به آخرین حد غلیان برسد!

فکر نکنم هیچ ریاضی دان، هیچ روزنامه نگار، هیچ مؤرخ و سیاستمدار یا انسان عادی جرأت کند و بگوید که من می دانم رئیس جمهور افغانستان، آقای احمدزی، از زمان مبارزات انتخاباتی تا امروز چقدر و در چه موارد و مناسبت هائی به مردم و به جهانیان وعده سپرده است که به کار های آشفته و نابسامان و اشتباه آمیز و نادرست و غیرعادلانه و غیرقانونی که در افغانستان جریان دارد، رسیدگی خواهد کرد.

پرواضح است که این نقص و ناتوانی به حافظه مردم تعلق نمی گیرد. هر انسانی، با قوی ترین حافظه هم اگر باشد و می بود، با این همه وعده و وعید، که از حساب و کتاب بیرون است، نمی توانست امروز وعده های احمدزی را یک به یک به یاد بیاورد و تعداد آن ها را تعیین کند. در باب انتخابات پارلمانی، در باب تقرر وزراء و والیان و بناروال ها، در باب گلستان ساختن خاک، در باب سرکوب طالب و سائر تیروریستان، در باب حسابرسی اختلاس کنندگان کابل بانک، در باب دست یابی به صلح، در باب رسیدگی به حساب قاضی ها و مدعی العموم های رشوه ستان، در باب سر جای نشاندن پاکستان، در باب تقرر افراد مسلکی و تحصیل کرده و تکنوکرات در پست های مهم دولتی، در باب اصلاحات در قوانین و ادارات، در باب اجرای عدالت، در باب رفع تبعیض و قوم پرستی، در باب تحقیق قضیه شهادت فرخنده، در باب تحقیق تقلب در انتخابات گذشته، در باب تحقیق علل سقوط کندز و تعیین مسئولین آن، در باب وجود مکاتب و عساکر خیالی، در باب تحقیق حملات انتحاری شاه شهید، دهمزنگ، حمله بر پارلمان، حمله بر دوائر سازمان امنیت ملی، حمله به وزارت داخله، حمله بر قول اردوی شاهین، حمله به شفاخانه چهار صد بستر اردو و ده ها و صد ها موضوع دیگری که هر روز و پس از هر حادثه و خبری رئیس جمهور ما پیش روی کمره تلویزیون حاضر شده و وعده نموده است، مانند "حامد کرزی"، که قضیه را توسط هیأتی دنبال می کند، مجرمان و مفسدان را به پنجه قانون می سپارد و انتقام مردم را از جنایت کاران و از نوکران سر سپرده آی. اس. آی. می گیرد.

آخرین وعده وی - البته تا ۱۴ جوزا ۱۳۹۶ - همین دیروز بود که بعد از حمله نیروهای امنیتی کشور بر معترضان بی دفاع و بی گناه حادثه انتحاری روز چهارشنبه و سه انفجاری که حین اجرای مراسم به خاک سپاری پسر یکی از سران رژیم در تپه بادام باغ به وقوع پیوست در مقابل کمره تلویزیون به مردم سپرد و گفت:

■ **قبول می کنم که باید در اداره امنیتی و ادارات دیگر اصلاحات اساسی شود؛ و اصلاحات در آینده زود عملی می گردد.**

■ **قبول دارم که با کسانی که در وظائف شان غفلت نموده اند باید به سختی و جدی برخورد شود.**

■ **قبول دارم که مردم هر اقدام دولت را پی گیری نموده و انتقاد کنند، چرا که این کار به نفع کشور و مردم درست است...**

اصلاحاتی که احمدزی از آن سخن می زند، چه گونه است؟ جنرال عبدالله حبیبی و جنرال قدم شاه شهیم، دو انسان مسؤول را در هنگام حمله تیرورستان بر قول اردوی ۲۰۹ شاهین، که طی آن صد ها جوان این خاک، همه عسکر و صاحب منصب، با قساوتی دور از تصور در درون مسجد و حین عبادت به قتل رسیدند، به جای محکمه و مجازات به سفارت می فرستد. قبل بر این و در زمانی که این دو انسان، اولی وزیر دفاع و دومی لوی درستیز اردوی افغانستان بود، حمله خونین بر شفاخانه چهار صد بستر اردو صورت گرفت که کم و بیش صد کشته و بین دو و سه صد نفر زخمی شدند.

هیأت تحقیق، دوسیه اختلاس پول در قرارداد روغنیات وزارت دفاع را تکمیل و اعلام کرد که (به فکر این که رئیس جمهور به وعده اش جدی است و واقعاً قصد پاکسازی ادارات و رسیدگی به جرایم مجرمین را دارد) زاخلوال به داد و گرفت پول (رشوه خواری) مبادرت ورزیده است. رئیس جمهور، به جایی این که زاخلوال را از وظیفه سبکدوش کرده به خانونالی معرفی کند او را با اعزاز و احترام به حیث سفیر تعیین و به پاکستان اعزام می کند.

شخصی به سواد و بی تحصیل و بی تجربه و غیرمسلمکی را به نام محمد معصوم استانکزی به صفت رئیس امنیت ملی، یکی از مهم ترین ادارات کشور، انتخاب می نماید.

امریخیل، متقلبی را که با پشتاره گرفتار شده بود، به جایی که به پنجه قانون بسپارد، به حیث مشاور رئیس جمهور انتخاب می کند و...

می گویند: ادارات را به اهل کار آن می سپارم؛ جلو کشت و کشتار و جنگ و فساد و زورگوئی و بی قانونی و... را می گیرم؛ پاکستان را ایزوله می کنم (چطور و با کدام توان نظامی - اقتصادی - سیاسی - دیپلماتیک؛ خدا می داند و خودش!!)؛ انتخابات پارلمان به زودی دائر می شود؛ تیرورستان سرکوب و نابود می شوند؛ افغانستان به بهشت دنیا تبدیل می گردد و... می پرسیم: چه وقت، جناب آقای اشرف غنی احمدزی؛ چه وقت شما به این همه وعده های تان جامه عمل می پوشانید؟؟ می گویند: در آینده زود!

می پرسیم: این آینده زود شما کی خواهد بود؟ دو نیم سال را با همین وعده های کاذب و محال سپری کردید. نیمی از دوران کار شما با همین وعده ها سپری شد. وقتی در نیمی از دوران کار تان، که نسبت به امروز قسماً آرامتر بود، هیچ کاری انجام داده نتوانستید، در نیم دیگر آن چگونه می توانید کاری کنید، خاصتاً زمانی که طالب و داعش و سائر گروه های تیرورستی روز به روز هار تر می گردند و بیشتر از پیش در شهر ها نفوذ می کنند و بار بار پایتخت و حتی مراسم جنازه پسر یکی از سران رژیم را که در آن رئیس اجراییه و چندین جنرال و رئیس و وزیر دولت موجود هستند، باوجود امنیت شدید، هدف قرار می دهند و دشمنان مسلح دولت تا کناره های شهر کابل رسیده و شب ها هم تاجار و هم پیشوایان مذهبی هم سران اقوام و خان ها و اربابان و هم مأمورین و کارمندان دولت و معلمین را اختطاف می کنند و با خود می برند؟

هر روزی که مردم در نتیجه یک انفجار یا حمله انتحاری به شکوه و شکایت می پردازند و یا به جاده ها بر می آیند، شما در تلویزیون حاضر می شوید و وعده می دهید که انتقام مردم را از این جانیان بی وجدان می گیرید!

➤ چقدر وعده می دهید؟

➤ و چقدر دروغ می گویند؟

➤ آیا گاهی فکر کرده اید که "شرم و حیاء هم خوب چیزی است"؟

فکر نمی کنم؛ زیرا اگر چنین احساسی در شما وجود می داشت، پیش از این که مردم چیزی بگویند یا چیزی بنویسند و یا شکوه و شکایتی کنند و به جاده ها بریزند، خود و وجدان تان متوجه می شدید که چقدر وعده های میان تهی و دروغین و دور از دسترسی به مردم داده اید و آیا مردم بیشتر از این به گفته های شما باور خواهند کرد؟

از جانبی چهره شما که در موقع ظاهر شدن در برابر کمره تلویزیون هیچ آثاری از تأثر و اندوه و رقت در آن به نظر نمی خورد، خود گواه بر آن است که نه کشته و زخمی شدن مردم، نه ویران شدن بنا ها، نه برهم خوردن روال عادی زندگی مردم، نه خسارات اقتصادی و نه غم و اندوه و مصیبت میلیون ها انسان در افغانستان و در جهان، هیچ کدام، برای شما مهم نیستند و هیچ کدام شما را ناآرام و پریشان و عصبانی و غمین نمی سازد. هر چه می گوئید تظاهر و دروغ و عوام فریبی یک سیاستمدار متقلب و شاید است که اصلاً با مردم خود راست نبوده و راست نیست و کشور و مردمی را که به تکرار و با فریاد های دلخراش از خود می خواند، از خود نمی داند.

از کسی که میدان هوایی کابل را به نام یک انسان فاسد و نیرنگباز، یکی از حامیان طالب خون ریز و جنایت پیشه و مزدور، که به دستور مفسده جو ترین و شریر ترین و بدذات ترین دشمنان ما هر روز به صد ها انسان بی گناه در کشور ما را به شهادت می رسانند، یکی از کسانی که به نوبه خود مسئول بسیاری از آشفته گی ها، انتحار ها، انفجار ها، قتل ها و ناآرامی ها و بی سر و سامانی ها در کشور ما می باشد، کند، چه انتظاری می توان داشت؟ آیا چنین انسانی می تواند در فکر مردم و عزت و آبروی کشور باشد؟

انسان هایی مانند کرزی را باید به پنجه قانون سپرد؛ نه این که آن ها را در آغوش گرفت و صاحب، صاحب گفت و برای شان منار های یادگار ساخت و آبداتی را که از سالیان دراز به نام نامی یک شهر یا به نام یک شخص ملی یاد می شده اند، به نام شان کرد!!

رسوایی مالی حامد کرزی و سائر کرزی ها، که چند روز پیش در تعداد زیادی از رسانه های داخلی و خارجی منعکس شد، آیا از نظر شما نگذشته است؟ همچنین سرمایه هائی که رئیس اجرائیه شما و رفقای دیگر ایشان و رفقای خود تان طی این همه سال از راه های غیر قانونی و با چور و چپاول به دست آورده اند؟!

آیا این همه سواستفاده از قدرت، این همه فساد، این همه رابطه داشتن با تروریستان، این همه همکاری با طالب و دسته های مؤتلف این گروه حیوان صفت، این همه غفلت در کار، این همه کرنش در برابر پاکستان، این همه خویش خوری و قوم پرستی و نفاق افگنی، این هم بی غوری در برابر کشور و مردم و... قابل اغماض و بخشش هستند؟! برای شما، که از همین جنس انسان ها هستید، آری؛ اما برای انسان های پاکیزه و ملی و میهن دوست و آزاده و مخالف فساد و رشوه دادن و رشوه ستاندن، نه!

چه بگویم، که گفته اند: "اگر در خانه کس است، یک حرف بس است"؛ سخنی که هیچ وقت در گوش شما و سیاستمداران مانند شما، در گوش کرزی و عبدالله و خلیلی و حضرت، پدر معنوی کرزی و به گوش برادران کرزی و برادران حکمتیار و مسلمیار و ایزدیار و خدایار و...، که به وفرت اطراف تان را گرفته اند، کارگر نمی افتد!

بیائید، به جای اینقدر دروغ و بدقولی، یکبار بگوئید که شما هیچ کاره هستید؛ همه اوضاع را کسانی که شما را به قدرت رسانیده اند، یعنی امریکائی ها، هم در کنترل دارند و هم به سامان و نابسامان می کنند. هدف هائی در پشت پرده وجود دارند و ما انسان های بی اراده و ضعیف و بی شخصیتی هستیم که برای پول و فرو نشاندن عطش قدرت طلبی خود ها، مانند کارمل ها و شاه شجاه ها آلت دست شده ایم. بیائید و بگذارید که مردم راه خود را پیدا کنند. بگذارید که کسانی سرنوشت این کشور و سرنوشت مردم را به دست بگیرند که خود را واقعاً خدمتگار مردم و خادم کشور می دانند و نیرو های محافظ و امنیتی شان به جای این که لوله های تفنگ را به سوی مردم بگیرند و آتش کنند و مردم بی دفاع و بی گناه را در خون های شان غرق سازند، به سوی دشمنان خاک و مردم نشانه بگیرند و آن ها را نابود کنند؛ به جایی که مردم را با هم دشمن و از هم گریزان بسازند، آن ها را به هم نزدیک کنند و هر چه انگیزه نفاق و دوری و خصومت و دشمنی را که در میان است از بین ببرند!

دیگر دروغ نگوئید؛ به حد کافی دروغ گفته و خلاف وعده عمل کرده اید. نه فهم و درایت و قصد کار را دارید و نه توانائی اداره مردم و دفاع از خاک را. خود را بیشتر از این نه رسوا کنید و نه شرمند! بگذارید و بروید، قبل از این که خشم مردم در

آخرین حد غلیان برسد و کار به نقاط باریک و غیرقابل برگشت برسد؛ آقای احمدزی!! شاید به خاطر کناره گیری تان از کار در آینده، در زندگی و بعد از مرگ، برخی از انسان ها دعائی در حق تان بکنند، یا از شما به نام نیک یاد شود!!

پایان بی پایان

